

رابطه آزادی اطلاعات با حریم خصوصی

سیدحسین صفایی
علی جعفری

تاریخ تأیید: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۷

چکیده

آزادی اطلاعات، از مصادیق آشکار آزادی بیان است که در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. از سوی دیگر، حق حریم خصوصی و منع ورود به حیطه خصوصی افراد نیز در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی حقوق‌دانان بوده؛ گرایش عمومی در کشورها، تصویب قوانین مستقل درباره حمایت از حریم خصوصی است. آزادی اطلاعات و حریم خصوصی افراد در مواردی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. قوانین و مقررات ایران حدود این حقوق را از یکدیگر مشخص نکرده است؛ بنابراین لازم است رابطه آنها مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گیرد. درباره اصل آزادی اطلاعات، دو دیدگاه در غرب مطرح می‌باشد: نظریه آزادی مطلق و نظریه آزادی محدود (خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاع‌رسانی). در این نوشتار این دو دیدگاه مورد نقد و بررسی قرار گرفته، در پایان نظریه سومی مبنی بر خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات و ثمرات آن بیان شده است.

واژگان کلیدی: آزادی اطلاعات، آزادی اطلاع‌رسانی، آزادی بیان، رسانه،

حریم خصوصی.

مقدمه

بر پایه اصالةالاباحه که مورد قبول غالب اصولیان معاصر است، قاعدتاً جریان آزاد اطلاعات مورد منع شارع نیست. علاوه بر استناد به اصل، برای ضرورت آزادی اطلاعات، از جمله می‌توان به ممنوعیت کتمان حق، تسهیل انتخاب آگاهانه و ادله امر به معروف و نهی از منکر استناد کرد.

آیه ۴۲ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: وحق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با اینکه می‌دانید، کتمان نکنید». جمله «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» وجه ممنوعیت را معلل می‌سازد و مستفاد از آن اینکه کتمان آگاهانه «حق»، ممنوع و منهی می‌باشد و از این «تعليق‌الحکم بالوصف»، علیت یا حداقل حیثیت استفاده می‌شود. در آیه مورد بحث به دلیل عبارت «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و یا جمله «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» دریافت می‌شود که هر عاقل و عالمی وظیفه‌اش عدم کتمان حق است (خمینی، ۱۴۱۵، ص ۵۴۴).

آیه ۱۸ سوره زمر می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ: به بندگان من بشارت ده، آنانی که سخنان را می‌شنوند و بهترین آنها را پیروی می‌کنند. آنان همان کسانی‌اند که خداوند هدایتشان کرده و ایشان همان خردمندان‌اند». بر همین اساس، رسانه‌هایی که اخبار و اطلاعات مؤثر در انتخاب آگاهانه مخاطبان را به ایشان منتقل می‌کنند، تحسین شده‌اند. برخی احادیث منظور از اشخاص مشمول این آیه را کسانی دانسته‌اند که سخنان گوناگون را دریافت می‌کنند و بدون کاستن، افزودن و تحریف کردن، در اختیار دیگران قرار می‌دهند؛ مثلاً امام صادق^ع در ذیل آیه مذکور فرمودند: «هو رجل يسمع الحديث فيحدث به كما سمعه لا يزيد فيه و ينقص منه» (حویزی ۱۴۱۲، ص ۴۸۲).

همچنین، رسانه‌های سالم بهترین ابزار برای امر به معروف و نهی از منکرند. اگر تقبیح منکر که نخستین مرحله نهی از منکر و وظیفه اصلی رسانه دینی است، به خوبی انجام شود، در غالب موارد از انجام مراحل بعدی نهی از منکر بی‌نیاز می‌شویم. مواد بسیاری از اساسنامه سازمان صداوسیما با این فرضیه مرتبط است و ماده ۴۰ از همه صریح‌تر مقرر می‌دارد: «در جهت تحقق رسالت امر به معروف و نهی از منکر در

جامعه، صداوسیما باید روحیه انتقاد سالم و سازنده و انتقادپذیری متواضعانه را در مردم، مسئولان و دست‌اندرکاران ایجاد کند و انتقادات مردم از مسئولیت و توقعات آنها از مردم را بازگو نماید». اگر در جامعه‌ای جریان آزاد اطلاعات وجود نداشته باشد، قهراً بسیاری از تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی در معرض دید مردم به ویژه کارشناسان قرار نمی‌گیرد تا زمینه نهی از منکر و امر به معروف فراهم آید.

از سوی دیگر، در مقابل حق آزادی اطلاعات، در بسیاری از دعاوی که علیه رسانه‌ها مطرح می‌شود، خواهان به حق حریم خصوصی خود و خواننده (رسانه) به آزادی اطلاعات و حق آزادی اطلاع‌رسانی استناد می‌کند. این مسئله وقتی جدی‌تر می‌شود که درمی‌یابیم رسانه‌های نوین، قدرت بی‌سابقه‌ای برای درهم‌نوردیدن حریم خصوصی افراد کسب کرده‌اند. کنراد فینک (Konrad Fink) عقیده داشت اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا، به رسانه‌ها اجازه می‌دهد آزادانه نسبت به انتشار اخبار اقدام کنند و حق مردم به آگاهی یافتن از مسائل، رسانه‌ها را موظف می‌سازد تا اخبار را منتشر نمایند. بدین ترتیب نظریه «نیابت رسانه‌ها از جانب مردم» شکل گرفت (هوسمن، ۱۳۷۰، ص ۴۴).

شایان ذکر است مبانی حمایت از آزادی اطلاعات و حریم خصوصی، به مباحث عمیقی نیاز دارد که پژوهش مستقلی را می‌طلبد و در این مقاله اصل حمایت از آزادی اطلاعات و حریم خصوصی، از مفروضات پژوهش بوده، فقط به بررسی رابطه آزادی اطلاعات و حریم خصوصی می‌پردازیم. برای بررسی فقهی حقوقی رابطه آزادی اطلاعات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها با حریم خصوصی افراد، لازم است نخست مفهوم هریک از این دو بیان شده، سپس به رابطه آنها پرداخته شود.

۱. حریم خصوصی

حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که انتظار معقول دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن نشوند یا به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. مطابق بند ۱ ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی «قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چهارچوب قانون،

انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات مربوط به آن دسترسی نداشته، یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند».

حریم خصوصی را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: «حریم خصوصی جسمانی»، «حریم خصوصی مکانی»، «حریم خصوصی اطلاعات» و «حریم خصوصی ارتباطات». مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که متعرض مسئله حریم خصوصی شده‌اند، عبارت‌اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

حمایت از حریم خصوصی در اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، مورد توجه قرار گرفت: «به موجب مواد ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر که به حقوق بنیادی فرد مربوط است، آحاد بشر حق دارند از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت دیگران باشد، متمتع گردند» (صفایی، ۱۳۷۰، ص ۵۴). در این ماده چنین آمده است: «هیچ‌کس نباید در حریم خصوصی خود یا خانواده یا مکاتباتش مورد مداخله زورمندانه قرار بگیرد یا آبرو و شهرتش در معرض تجاوز قرار گیرد». مجمع عمومی سازمان ملل متحد همچنین، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی را در سال ۱۹۶۶ تصویب کرد. ماده ۱۷ این میثاق بین‌المللی مقرر می‌دارد:

۱. در زندگی شخصی، خانواده، منزل یا ارتباطات هیچ‌کس نباید خودسرانه یا غیرقانونی مداخله شود یا آسیب و لطمه غیرقانونی به آبرو یا حیثیت او وارد آید؛
 ۲. هرکسی در برابر چنین تعرض یا آسیبی حق دارد از حمایت‌های قانونی برخوردار شود.
- بند ۲ ماده مذکور، نشان‌دهنده این نکته است که باید در برابر هرگونه اختیار نسبت به صدور مجوز مداخله در حریم خصوصی دیگران، حمایت‌هایی وجود داشته باشد (Sarah, 2000, p.348).

کمیته حقوق بشر که برای نظارت بر هماهنگی عملکرد کشورهای عضو این میثاق با معیارها و موازین پیش‌بینی شده در میثاق تشکیل شده است، نسبت به مبنای قانونی برای مداخله در حریم خصوصی اعلام کرده است که باید «پیش از هر چیز، در قوانین کشورها مقرراتی برای حمایت از حق حریم خصوصی پیش‌بینی شود» (همان، ص ۳۵۹). کمیته

مذکور در توضیح «مداخله خودسرانه» (Arbitrary Interface) می‌گوید: ممکن است مداخله مقرر شده به موجب قانون نیز خودسرانه باشد. از این رو، «مداخله، حتی اگر به حکم قانون صورت گیرد، باید مطابق با مقررات، اهداف و غایات میثاق بوده، به هر حال در اوضاع و احوال خاصی که صورت می‌گیرد، معقول باشد» (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

بند ۱ ماده ۴۰ میثاق، دولت‌های عضو را متعهد ساخته تا در گزارش‌های سالیانه به کمیته حقوق بشر، عوامل و مشکلاتی را که اجرای میثاق را تحت الشعاع قرار می‌دهند، متذکر شوند. گزارش‌ها باید شامل اطلاعاتی درباره مراجع و مقامات و سازمان‌های تأسیس شده در چهارچوب نظام حقوقی کشورها باشد که برای صدور مجوز مداخله پیش‌بینی شده در قانون صلاحیت دارند. همچنین، دولت‌ها ناگزیرند اطلاعاتی را درباره مقاماتی که اختیار اعمال نظارت بر مداخله در حریم خصوصی را با توجه به قوانین دارند، ارائه کرده، اعلام کنند اشخاص ذی‌نفع چگونه و در چه مراجع و سازمان‌هایی حق شکایت از نقض ماده ۱۷ میثاق را دارند. دولت‌ها باید در گزارش‌های خود به روشنی، میزان رعایت عملی قوانین را بیان کنند. همچنین، درباره شکایت‌های ناشی از مداخلات خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی اشخاص و شمار احکامی که در این باره صادر شده و نیز خسارت‌های پرداخت شده گزارش دهند (همان، ص ۵۹).

دولت ایران در تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۴۷ این میثاق را امضا کرده، در اردیبهشت ۱۳۵۴ آن را از تصویب گذراند و بدین ترتیب به آن اعتبار قانونی بخشید و خود را بدان متعهد ساخت. پس از انقلاب نیز دولت جمهوری اسلامی ایران نه تنها میثاق را رد نکرد و خروج از عضویتش را اعلام ننمود، بلکه سیاست کلی‌اش مبنی بر همکاری با کمیته حقوق بشر بوده است (مهرپور، ۱۳۸۶، ص ۶۰)؛ بنابراین دولت ایران متعهد شده است قوانین خاصی درباره حریم خصوصی تصویب کند؛ ولی تاکنون به این تعهد بین‌المللی عمل نکرده است.

۲. آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات (Freedom of Information) دارای دو بُعد است: بُعد آزادی اطلاعات، حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاه‌ها و مؤسسات

عمومی است و بُعد دیگر آن آزادی اطلاع‌رسانی می‌باشد. حق دسترسی به اطلاعات (Right to Information) یعنی هریک از اعضای جامعه در هر زمان بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می‌شود و آن مؤسسه فقط با توجه به دلایل پذیرفته‌شده و مشخص بتواند درخواست وی را رد کند (انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۶). حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی، یکی از لوازم اصلی آزادی بیان و آزادی اطلاع‌رسانی رسانه‌ها قلمداد می‌شود؛ زیرا مهم‌ترین وسیله حقوقی در تهیه اطلاعات لازم و دقیق برای به‌کارگیری آزادی‌های مذکور به شمار می‌رود. شناسایی حق آزادی اطلاع‌رسانی بدون حق دسترسی به اطلاعات، ارزش کمی دارد؛ زیرا بدون شناسایی حق دسترسی به اطلاعات، اصل آزادی اطلاع‌رسانی در بسیاری موارد بدون موضوع می‌ماند.

رسانه‌ها در برخورداری از این آزادی با شهروندان برابرند و در واقع همانند یکی از اشخاص حقوق خصوصی، حق دسترسی به اطلاعات دولتی دارند. با وجود این، رسانه‌ها به طور طبیعی به قصد انتشار اطلاعات، برای دسترسی به آنها می‌کوشند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۲۹-۳۰).

واژه آزادی اطلاعات برای نخستین بار در دوره پیش از جنگ جهانی دوم، در جامعه ملل مطرح شده بود (معلم‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). پس از تأسیس سازمان ملل متحد، در کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات که این سازمان آن را در سال ۱۹۴۸ در ژنو تشکیل داد، به این واژه توجه خاص شد. طبق تعریفی که در یکی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره آزادی اطلاعات بیان شده، این آزادی شامل توانایی جست‌وجو، انتقال، انتشار و دریافت آزاد آگاهی‌ها و اندیشه‌هاست. به عبارت دیگر، آزادی اطلاعات، آزادی فعالیت رسانه‌ها در مرحله جست‌وجو و گردآوری اخبار و عقاید و انتقال آنها به خبرگزاری‌ها و سایر مراکز خبری و انتشار آنها در رسانه‌ها و فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های خبری و سینمایی، پایگاه‌های اطلاعاتی و خبری اینترنتی و همچنین، آزادی مخاطبان در دریافت پیام‌های وسایل ارتباطی مذکور را دربرمی‌گیرد (همان).

روژه کلوس (Roger Clause)، محقق بلژیکی ارتباطات، در این باره گفته است: گسترش مفهوم آزادی مطبوعات، به آزادی اطلاعات، در سال‌های اخیر در چند جهت صورت گرفته است:

الف) آزادی بیان و اطلاعات برای رسانه‌ها و همچنین، تمام تکنیک‌های سمعی و بصری؛

ب) آزادی گردآوری اخبار، همراه با دسترسی آزادانه به محل وقوع اخبار و جریان آزاد آنها (آزادی دسترسی به اطلاعات)؛

ج) آزادی دریافت و همچنین، انتشار اخبار (آزادی اطلاع‌رسانی)؛

د) مسئولیت حرفه‌ای، شرایط آزادی بدون سوء استفاده و تبدیل اطلاعات به نوعی خدمت برای منافع عمومی (معمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷).

بر این اساس، باید گفت در دهه‌های اخیر، از مفهوم وسیع آزادی اطلاعات، دو مفهوم جدید آزادی اطلاع‌رسانی و آزادی اطلاعات، به معنای خاص ایجاد شده است؛ بنابراین باید هرکدام از این مفاهیم را به طور جداگانه بررسی کرد.

۲-۱. آزادی اطلاع‌رسانی

آزادی اطلاع‌رسانی که گردانندگان وسایل ارتباط جمعی از آن برای اطلاع‌رسانی به کاربران بهره می‌گیرند، یکی از شکل‌های ویژه و نو مفهوم وسیع و قدیمی آزادی بیان است؛ بنابراین با توجه به گستره منطقی مفهوم آزادی بیان می‌توان آن را برای اطلاع‌دادن و بیان وقایع از راه سایر وسایل ارتباطی نیز معتبر شناخت؛ ولی در حال حاضر که آزادی بیان علاوه بر رسانه‌ها، از تکنیک‌های نیرومند ارتباطی دیگر نیز استفاده می‌کند، آزادی اطلاع‌رسانی و به عبارت دیگر، آزادی انتشار فرآورده‌های فکری در میان مخاطبان وسیع وسایل ارتباط جمعی، اهمیت ویژه یافته است.

۲-۲. آزادی اطلاعات به مفهوم خاص آن

آزادی اطلاعات به معنای جست‌وجو و گردآوری، انتقال، انتشار و دریافت آزاد اخبار و عقاید است. آزادی اطلاعات از شرایط اساسی آزادی اطلاع‌رسانی است؛ زیرا آزادی اطلاع‌رسانی به مخاطبان وسایل ارتباط جمعی، در صورتی که مؤسسات اداره‌کننده این

وسایل برای تهیه و تأمین مواد اولیه فعالیت‌های آنها یعنی اطلاعات و اخباری که همگان به آنها نیاز دارند، محدودیت ایجاد کنند، مفهوم خود را از دست می‌دهد. طبق ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون جلوگیری کرده باشد».

برای ایجاد فضای آزادی اطلاعات، دسترسی آزاد به رویدادها لازم است. آزادی اطلاعات در صورتی که دسترسی خبرنگاران به محل رویدادها و منبع اخبار محدود باشد و یا آنکه خبرنگاران از حق گردآوری خبرها در محل رویدادها محروم باشند، شکل نخواهد گرفت؛ زیرا در هر کدام از این دو حالت، آزادی اطلاعات از میان می‌رود و در این صورت تنها اطلاعاتی که منابع صاحب اطلاع درباره رویدادها می‌دهند و معمولاً نیز اطمینان‌آور نیستند، در اختیار وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرند. نباید فراموش کرد اجرای اصل دسترسی آزاد به محل رویدادها و منبع اخبار، چه در صحنه داخلی و چه در صحنه روابط خارجی، اغلب با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو بوده، به آسانی صورت نمی‌پذیرد. در نتیجه باید گفت هر نظام اطلاعاتی برای اینکه کاربردی باشد، باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که هنگام نیاز، اطلاعاتش در دسترس باشد (شهریاری، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

۳. وجوه مطرح درباره رابطه آزادی اطلاعات با حریم خصوصی

در مورد اصل آزادی اطلاعات، دو وجه مطرح است: «نظریه آزادی مطلق» و «نظریه آزادی محدود». مطابق نظریه اول، ایجاد هرگونه محدودیت در مقابل جریان اطلاعات، تضییع حقوق طبیعی بشر است؛ ولی نظریه دوم، این آزادی را نه به صورت مطلق، بلکه تابع محدودیت‌های متعدد تجویز می‌کند و به عبارتی معتقد است حریم خصوصی خروج تخصصی از آزادی اطلاعات دارد. در ادامه به بررسی و نقد آرای طرفداران دیدگاه اول خواهیم پرداخت و نهایتاً نظر مختار را ارائه می‌کنیم.

۳-۱. ادله نظریه آزادی مطلق اطلاع‌رسانی

الف) مهم‌ترین دلیلی که طرفداران این دیدگاه به آن استناد می‌کنند، ماده ۱۹ اعلامیه

جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ می‌باشد. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «هرکس از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است. این حق شامل آزادی حفظ عقاید، مصونیت از تعرض و جست‌وجو، کسب و اظهار اطلاعات و اندیشه‌ها از طریق هر رسانه‌ای و بدون توجه به مرزها می‌باشد».*

ماده مذکور، آزادی مطلق اطلاعات را مقرر می‌کند. عبارات «هرکس»، «اظهار اطلاعات»، «از طریق رسانه»، «بدون توجه به مرزها» به خوبی بیانگر اطلاق این ماده می‌باشند:

اول، این ماده با ذکر کلمه «هرکس» (Every One) هرگونه محدودیتی را درباره منشأ اطلاعات ممنوع ساخته است.

دوم، با به کاربرد واژه «اطلاعات و اندیشه‌ها» (Information and Ideas) به صورت مطلق، هیچ محدودیتی در مورد دلخواهی اطلاعات ارسالی قائل نشده است.

سوم، از عبارات «از طریق هر رسانه» (Through any Media) و «بدون توجه به مرزها» (Regardless of Frontiers) استفاده می‌شود که نه تنها شیوه انتقال اطلاعات اهمیتی ندارد، بلکه هیچ قلمرو جغرافیایی و سیاسی نیز نمی‌تواند آن را محدود سازد؛ بنابراین در زمینه «اطلاع‌رسانی»، ماده مزبور خواهان برقراری آزادی مطلق در مورد چهار عنصر است: «منبع اطلاعات»، «شیوه انتقال اطلاعات» (اعم از روش و وسیله انتقال اطلاعات)، «محتوای اطلاعات» و «قلمرو پخش اطلاعات».

ب) جریان آزاد اطلاعات، از حقوق فردی اساسی و از ضروریات حقوق بشر است و ایجاد مانع در این خصوص در تعارض با میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) خواهد بود (Heins, 2003, p.43).

آزادی کامل رسانه‌ها باعث آگاهی کامل شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های دولت، انعکاس افکار عمومی، انتقادهای و توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

این نظریه امروزه به نظریه دیگری با عنوان «مرگ حریم خصوصی اطلاعات»

* Article 19: "Everyone has the right to freedom of opinion and expression; this right includes freedom. To hold opinions without interference and to seek, receive and impart information and ideas through any media and regardless of frontiers."

انجامیده است (Byrne, 2001, p.78 / Froomkin, 2000, p.61) که مطابق آن در عصر فناوری اطلاعات اساساً حریم خصوصی اطلاعات به مرور از میان رفته؛ بنابراین تقابلی نیز میان آن و آزادی اطلاعات وجود ندارد.

به جز استناد به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دلایل دیگری نیز مستمسک طرفداران آزادی مطلق اطلاعات قرار گرفته است؛ مثلاً در صورت ایجاد محدودیت برای جریان اطلاعات از سوی دولت‌ها، ارتباطات نیز به عنوان ابزار دیگری در دست دولت‌ها خواهد بود و یا آزادی کامل رسانه‌ها باعث آگاهی کامل شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های دولت، انعکاس افکار عمومی و انتقادهای آن و توسعه اجتماعی و اقتصادی خواهد بود؛ ولی عمده دلیل قائلان این نظریه، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

مهم‌ترین نکته «ارزش حقوقی اعلامیه جهانی حقوق بشر» است. اینکه آیا اعلامیه جهانی حقوق بشر برای امضاکنندگان آن فقط در حد یک توصیه و پیشنهاد ارزش دارد و یا آنها را به انجام مفاد اعلامیه متعهد می‌سازد؟ در صورت اخیر آیا این تعهد، یک تعهد به نتیجه است و یا یک تعهد به وسیله؟ نظر غالب اینکه طبق مواد ۱۰ و ۱۱ منشور ملل متحد و همچنین، مواد دیگر مربوط به وظایف و اختیارات مجمع عمومی - ذیل فصل چهارم منشور - این اعلامیه لازم‌الاجرا نیست و فقط ارزش یک توصیه را دارد.

از سوی دیگر، در تاریخ پیش از تصویب اعلامیه، به مقررات لازم‌الاجرائی برمی‌خوریم که برای جریان آزاد اطلاعات، محدودیت‌هایی قائل شده‌اند؛ به عنوان مثال، کنوانسیون بین‌المللی مربوط به استفاده از سخن‌پراکنی برای صلح (مصوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۳) در ماده ۱ چنین مقرر می‌دارد:

اعضا متعهد می‌شوند که بدون تأخیر از تبلیغات ارسالی موجود در داخل سرزمین‌های خود، که با داشتن خصوصیتی مانند تحریک مردم یک سرزمین جهت انجام اعمال خلاف نظم عمومی داخلی یا امنیت یکی از کشورهای طرف قرارداد، به حُسن روابط بین‌المللی لطمه می‌زنند، جلوگیری کرده و لدی‌القتضا آن را متوقف سازند.

طبق ماده دوم این کنوانسیون نیز این کشورها متعهد می‌شوند تا برای عدم پخش

مطالب تحریک‌کننده به جنگ در برابر عضو دیگر این معاهده از داخل سرزمین‌های خود مراقبت‌های لازم را به عمل آورند. در ماده ۴ این کنوانسیون مسئله بسیار مهم صحت اطلاعات ارسالی مورد توجه قرار گرفته است و متعاقدان به موجب این ماده، متعهد گردیده‌اند صحت اطلاعات ارسالی از ایستگاه‌های داخل مرزهای خود را به ویژه در مواقع بروز بحران، با تمام قوا تأمین نمایند؛ بنابراین به هیچ وجه نمی‌توان مقررات ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر را الزام‌آور تلقی کرد و تخلف از آن را مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها قلمداد نمود. با وجود این، اعلامیه مذکور به عنوان یک قطعنامه مجمع عمومی ارزش اخلاقی و سیاسی خواهد داشت.*

حتی اگر بپذیریم اعلامیه جهانی حقوق بشر، مبین و یا مفسر منشور ملل متحد می‌باشد، از آنجا که هیچ‌گاه تبیین و تفسیر نمی‌تواند مقررات جدیدی بر مقررات مجمل و یا مورد تفسیر بیفزاید و با توجه به اینکه منشور ملل متحد، کشورهای عضو را فقط متعهد به یک تعهد به وسیله برای اجرای مقررات حقوق بشر می‌داند، کشورهای صادرکننده اعلامیه با توجه به مقدمات خویش فقط به انجام اقداماتی برای نیل به اجرای این مقررات متعهدند.

* برخی اعلامیه حقوق بشر را الزام‌آور می‌دانند. نماینده چین در سال ۱۹۴۸ معتقد بود اعلامیه جهانی حقوق بشر در واقع بیان روشن حقوقی است که منشور ملل متحد، کشورهای عضو را به رعایت آن وادار کرده است. نماینده فرانسه نیز با استناد به اعلامیه، برای تفسیر منشور موافقت کرد. برخی نیز اصول مندرج در اعلامیه را انعکاسی از اصول کلی حقوقی می‌دانند که توسط ملل متمدن به رسمیت شناخته شده است و با توجه به اینکه اصول کلی حقوقی یکی از منابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، در این صورت مواد اعلامیه نیز لازم‌الاجرا خواهد بود. گروهی نیز معتقدند این اعلامیه به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌شود؛ بنابراین رعایت مفاد آن برای همه کشورها اجباری است. بعضی از حقوق‌دانان نیز آن را به عنوان بخشی از «قواعد آمره بین‌المللی» قلمداد کرده‌اند. اشکال مهم اینکه رابطه میان منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رابطه مجمل و مبین نظریه بدانیم، این است که سند مؤخر را در صورتی می‌توان مبین سند مجمل مقدم دانست که مقررات لاحق، از جهت قدرت حقوقی با مقررات سابق در عرض یکدیگر باشند. در غیر این صورت، اصولاً رابطه مجمل و مبین، فرض وقوع نخواهد داشت. رابطه منشور و اعلامیه پیش از اینکه به صورت اجمال و تبیین باشد، به صورت وارد و مورود است؛ زیرا اعلامیه جهانی حقوق بشر که به صورت یک قطعنامه غیرلازم‌الاجرای مجمع عمومی صادر شده و در برابر سند لازم‌الاجرای دیگر - چه مؤخر و چه مقدم - حجیتی نخواهد داشت؛ ولی رابطه میان منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را از نوع تفسیر (حکومت) نیز نمی‌توان دانست؛ زیرا ارزش حقوقی این دو سند برابر نیست.

به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به ویژه طبق ماده ۱۹ که در سال ۱۹۶۶ امضا شد، محدودیت‌هایی برای آزادی مطلق بیان وضع شده است. پس از اینکه در بند ۲ از این ماده حق آزادی بیان به رسمیت شناخته می‌شود، در بند ۳ آمده است: «اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است؛ بنابراین ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود...». علاوه بر این، در قوانین داخلی کشورها نیز چنین روندی به خوبی به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر فرانسه چنین می‌خوانیم: «آزادی فکر و عقیده، یکی از گرانبهاترین حقوق بشری است؛ پس هرکس مجاز است که آزادانه هرچه بخواهد، بگوید و بنویسد و طبع کند، مگر اینکه سوء استفاده از این آزادی بکند. در این صورت به نحوی که قانون معین کرده است، مسئول خواهد بود».

نکته قابل توجه دیگر اینکه حتی اگر فرض کنیم هیچ اقدام عملی محسوسی برای ایجاد محدودیت آزادی مطلق اطلاعات صورت نگرفته، نمی‌توانیم به وجود یک قاعده عرفی در این زمینه قائل شویم؛ زیرا صرف ترک فعل، موجد عرف بین‌المللی نیست. نکته مهمی که در این باره به دید می‌آید، تحولی است که درباره آزادی بیان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر رخ داده است. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین مقرر می‌کند:

۱. هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی می‌باشد؛ بنابراین ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهدند تحقق آزادی‌های

اساسی و حقوق ضروری برشمرده در این میثاق را درباره اتباع خود و در داخل مرزهای خود تضمین کنند. آزادی بیان نیز یکی از آزادی‌های مذکور در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است؛ بنابراین کشورها وظیفه دارند تحقق این حق را در مورد اتباع خود تأمین کنند و به جز محدودیت‌های مشروع، از ایجاد هرگونه مانع و یا محدودیتی در این باره خودداری کنند.

از منطوق بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی استفاده می‌شود که در مورد انتشار اطلاعات، این ماده همان آزادی‌های چهارگانه ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر را که پیش‌تر بیان شد، مقرر می‌دارد؛ یعنی آزادی در مورد «منبع اطلاعات»، «شیوه انتقال اطلاعات»، «محتوای اطلاعات» و «قلمرو پخش اطلاعات»؛ ولی اختلاف اساسی میان این دو سند بین‌المللی در محدودیت‌هایی است که بند ۳ ماده ۱۹ و همچنین، ماده ۲۰ میثاق تعیین کرده است و آزادی مطلق گذشته را مقید نموده است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در شرایطی به تصویب رسد که کفه توازن قدرت در عرصه روابط بین‌المللی به سمت ایالات متحده امریکا سنگینی می‌کرد؛ یعنی کشوری که پیشرو و طرفدار عمده نظریه آزادی مطلق اطلاعات است.

در عین حال باید به این نکته مهم توجه داشت که طبق بند ۳ از ماده ۱۹ و ماده ۲۰ میثاق، محدودیت‌های آزادی اطلاعات به شکل احصایی و نه تمثیلی بیان شده‌اند؛ بنابراین این محدودیت‌ها باید منحصرأ در همین چهارچوب قرار گیرند و دولت‌ها از تعمیم آن به موارد خودخواسته پرهیز کنند که در غیر این صورت تخلف آنها تخطی از مقررات لازم‌الاجرای بین‌المللی تلقی شده، می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی شود؛ همچنان‌که در بند ۱ ماده ۵ میثاق چنین می‌خوانیم:

۱. هیچ‌یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی شود که به استناد آن به منظور تضییع هریک از حقوق و آزادی‌های شناخته‌شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن، پیش از آنچه در این میثاق و یا محدود نمودن آن، بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است، مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی به عمل آورد.

در پرونده گری فیلت کرافت در مقابل شرکت ام.جی.ان. نیز تأثیر نظریه آزادی مطلق

اطلاعات به چشم می‌خورد. در این پرونده، روزنامه‌ها، داستان‌هایی در مورد دو زن را خریداری کرده بودند. این دو زن با یکی از بازیکنان فوتبال به نام گری فیلت کرافت رابطه داشتند. زنان یادشده با گری ملاقات کردند و طی چند ماه با او روابط پنهانی داشتند. آقای فیلت کرافت که متأهل بود، کوشید تا حکم منع انتشار این داستان را بگیرد. عاملی مهم در این ماجرا آن دو زن بودند که قصد داشتند ماجرای خود را بازگو نمایند و گفته می‌شد ممانعت آنها از انجام چنین کاری، تجاوز به حق آزادی بیان آنها، موضوع ماده ۱۰ قانون بود. در اینجا دادگاه استیناف حکم منع انتشار را نقض کرد و چنین استدلال کرد که سرشت روابط میان آن مرد و زن «خارج از حدود روابط مورد حمایت قانون» بوده است؛ بنابراین منع انتشار خبر، نوعی دخالت بدون توجیه در آزادی رسانه‌هاست (کریر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷).

۲-۳. نظریه خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی اطلاع‌رسانی

انتقادات وارد بر نظریه آزادی مطلق اطلاعات باعث نظریه آزادی نسبی اطلاع‌رسانی مبتنی بر خروج حکمی و تخصیصی حریم خصوصی مطرح شود. این نظریه در اروپا بر نظریه آزادی مطلق چیره شده و در قانون آزادی اطلاعات که در مجلس هشتم شورای اسلامی مطرح شده، همین نظریه منعکس شده است. بند ۲ فصل ۴ قانون آزادی اطلاعات، حریم خصوصی را جزء استثنائات دسترسی به اطلاعات دانسته است. ظاهر این ماده موافق نظریه اخیر است.

در ماده ۱۵ این قانون آمده است: «چنانچه اطلاعات درخواست‌شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود».

همچنین، ماده ۱۶ مقرر داشته است:

مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثالث باشد، باید از در اختیار قراردادن اطلاعات درخواست‌شده خودداری کنند، مگر آنکه:

الف) شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد؛

ب) شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد؛
ج) متقاضی یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چهارجوب
قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک مؤسسه عمومی مرتبط باشد.

۳-۳. نظریه خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات

به رغم اینکه نظریه دوم (خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات) ایرادهای کمتری نسبت به نظریه آزادی مطلق داشت، این نظریه نیز قابل قبول نیست؛ زیرا در خروج تخصصی لازم است مستثنا و مستثمانه موضوعاً یکی باشند و فقط حکم آنها متفاوت باشد، در حالی که موضوع آزادی اطلاعات، مسائل شخصی و حریم خصوصی نیست، بلکه مسائل عمومی است؛ بنابراین باید گفت حریم خصوصی تخصصاً* و موضوعاً از آزادی اطلاعات خارج می‌باشد.

با وجود استقلال موضوعی حریم خصوصی و آزادی اطلاعات، ممکن است قانونگذار در موارد استثنائی بنا بر مصالح اهم مانند «امنیت ملی» در موضوعاتی که اساساً خارج از محدوده آزادی اطلاعات و مربوط به حریم خصوصی بوده، تصرف کند و حکم آزادی بیان را بر آن بار کند. این کار با پذیرش تعبدی سعه و ضیق موضوع از باب حکومت است؛ بنابراین چنین مواردی، نافی خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات نیست و نباید این موارد را نقض نظریه مختار تلقی کرد.

در برتری نظریه «خروج تخصصی» نسبت به نظریه «خروج تخصصی» باید گفت حوزه اثبات هر دلیلی به مقدار دلالت آن دلیل است و تمسک به دلیل در بیش از آن مقدار، تحکم و ادعای بدون دلیل بوده، اصطلاحاً دلیل اخص از مدعاست؛ زیرا مدعیان خروج تخصصی در اثبات اصل آزادی اطلاعات رسانی می‌گویند چون موارد مورد نظر جزء مسائل عمومی و مربوط به عموم افراد است، اطلاع‌رسانی حق آنها محسوب شده و آزاد می‌باشد؛ ولی پس از اثبات مدعا آن را به مسائل غیر عمومی نیز سرایت می‌دهند

* «تخصص» در اصطلاح اصولیان یعنی خارج بودن فرد و موردی از موضوع یک دلیل بدون اینکه تخصیص یا حکومت و ورودی در میان باشد؛ یعنی دلیل از ابتدا موضوعاً شامل آن فرد نباشد (مظفر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

و نهایتاً مواردی را به نحو تخصیص خارج می‌کنند، در حالی که این موارد از ابتدا خارج از حوزه دلیل بوده است.

مثلاً گفته شده جریان آزاد اطلاعات، از حقوق فردی اساسی و از ضروریات حقوق بشر می‌باشد و ایجاد مانع در این خصوص در تعارض با میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) خواهد بود (Heins, 2003, p.39)، در حالی که اطلاع‌داشتن از امور خصوصی دیگران را هرگز نمی‌توان «از حقوق فردی اساسی و از ضروریات حقوق بشر» دانست. مهم‌ترین اثر خروج تخصصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات، در شبهات مفهومی و مصداقی جلوه می‌کند. اگر حریم خصوصی خروج تخصصی از آزادی اطلاعات داشته باشد، در موارد شک در موضوع مورد مشکوک را نمی‌توان با اجرای اصل* داخل در یکی از موضوعات قرار داد. البته چون شک، به تکلیف برمی‌گردد، نهایتاً با اجرای اصالة البرائة** آزادی اطلاعات بر حریم خصوصی غلبه می‌کند.

اگر حریم خصوصی خروج تخصصی از آزادی اطلاعات داشته باشد، درباره شبهات مفهومی و مصداقی باید گفت از آنجا که استعمال عام در این وضعیت به شکل حقیقت است (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۳ / مظفر، ۱۴۱۶، ص ۱۴۴ / کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۸)، پس در افراد خارج از خاص، حجت می‌باشد و به عبارت دیگر، حکم عام

* در اصطلاح اصولیان، آنچه مستمسک قرار می‌گیرد تا پس از نبودن دلیل خاص یا عام، مکلف را از تحیر در مقام عمل خارج کند و وظیفه وی را روشن سازد، اصل نام دارد. اصل برخلاف دلیل، جنبه کاشفیت از واقع (واقع‌نمایی) ندارد (به همین دلیل، کارایی اش پس از نیافتن دلیل است) و فقط در مواقعی که حکم واقعی شیء مشکوک می‌باشد، از جانب صاحب شریعت برای خروج مکلف از تحیر معتبر شمرده شده است (ر.ک: مشکینی، ۱۳۴۸، ص ۵۴). در مباحث فقهی، عادت و رویه این است که نخست تأسیس اصل می‌کنند تا اگر ادله مورد مناقشه واقع شد و به نتیجه نرسید، به آن اصل رجوع شود. البته حتی در صورت تمام‌بودن ادله، آن اصل در مواردی می‌تواند مؤید قرار گیرد.

** اصالة البرائة: «مفاد این اصل، رخصه و تجویز فعل و ترک است» (نایینی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۴۵). این اصل هم به حکم عقل ثابت است و هم به حکم شرع. مستند شرعی آن روایاتی مانند حدیث «رفع عن امتی تسعة أشياء: ... و ما لا یعلمون؛ امت من در نه چیز مؤاخذه نمی‌شوند که یکی از آنها در موارد فقدان علم است» (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۳۶۹) و حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» (همان، ج ۶، ص ۲۸۹). مستند عقلی اصالة البرائة، حکم عقل به قُبْح عقاب بلا بیان است؛ یعنی عقل مستقلاً حکم می‌کند که عقاب مکلفان توسط شارع بدون اینکه نهی از جانب او در مورد این فعل خاص رسیده باشد، قبیح است.

در بقیه افراد برای هر فردی که دلیل خاص شامل آن نمی‌شود، ثابت است. ظاهراً در حکم حجیت عام، اختلافی میان شیعه وجود ندارد و فقط در میان برخی از اهل سنت در این موضوع اختلاف نظر مشهود است (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۵ / کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۳ / بروجردی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۴).

بحث حجیت عام پس از تخصیص، در جایی مطرح می‌شود که مخصص مبین باشد و اجمالی از جهت مصداق یا مفهوم در آن وجود نداشته باشد. در مخصص مجمل، چهار صورت متصور است؛ زیرا اجمال یا از جهت مفهوم بوده یا مصداق و در هریک از این دو، تردید یا میان اقل و اکثر و یا میان متباینین است. اجمال در مفهوم و یا شبهه مفهومیه بدین معناست که در معنا و مفهوم مخصص، شک وجود دارد. اجمال در مصداق یا شبهه مصداقیه در مواردی است که با واضح و مبین بودن مفهوم خاص، در ورود فردی از افراد در خاص شک می‌کنیم.

به نظر می‌رسد بنا بر مبنای خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی اطلاع‌رسانی، عمده شبهات در این باره از نوع شبهات مفهومیه مردد میان اقل و اکثر با مخصص منفصل باشد؛ زیرا دو حکم «رسانه‌ها حق هرگونه اطلاع‌رسانی دارند» و «نقض حریم خصوصی افراد ممنوع است» به طور مستقل و در دو مقررات مجزا یا در یک قانون، ولی در دو ماده مستقل آمده است و در مفهوم حریم خصوصی اختلافات اقل و اکثری است.

اگر در یک قانون آمده باشد «رسانه‌ها حق هرگونه اطلاع‌رسانی دارند، مگر اینکه نقض حریم خصوصی افراد باشد» با مخصص متصل مواجه‌ایم.

نکته اینکه آیا اجمال مخصص (در صور مختلف آن) به عام نیز سرایت می‌کند و آن را از حجیت ساقط می‌کند یا اجمال خاص تأثیری در حجیت عام ندارد و می‌توان با تمسک به عام، احتمالات و موارد اجمال را تحت حکم عام قرار داد؟ پاسخ به این پرسش به نوع شبهه (مفهومی یا مصداقی) و نوع مخصص بستگی دارد.

۱-۳-۳. شبهه مفهومیه با مخصص متصل

در این مورد چه اجمال از جهت تردد میان اقل و اکثر و چه میان متباینین باشد، اجمال

مخصص به عام سرایت می‌کند و در مورد افراد مشکوک نمی‌توانیم به عام تمسک کنیم؛ زیرا این نوع خاص، قرینه متصله‌ای است که همراه عام ذکر می‌شود و حکم عام را بر روی موضوع واحدی که همان مجموع عام و خاص می‌باشد، قرار می‌دهد و به همین دلیل، عام در غیر خاص ظهور می‌یابد (سبحانی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۴).

به عبارت دیگر، هرچند قرینه متصله با دلالت تصویری برخوردار است؛ ولی با دلالت تصدیقیه یعنی آنچه متکلم اراده می‌کند، تصادم می‌نماید (خویی، ۱۴۱۹، ص ۴۵۵)؛ بنابراین مخصص متصل، حاکی از آن است که متکلم از ابتدا «عام ما عدالخاص» را اراده کرده است و کلام نیز در آن ظهور می‌یابد (کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۳ / بروجردی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۴ / مظفر، ۱۴۱۶، ص ۱۴۸ / مغنیه، ۱۴۰۸، ص ۱۷۵). البته در شبهه مفهومی با مخصص متصل عام در افرادی که یقیناً از خاص خارج باشند، حجت است (بروجردی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۴)؛ بنابراین مثلاً در موارد جواز غیبت به دلیل نصح مستشیر که می‌توان آن را از موارد جواز نقض حریم خصوصی اطلاعات افراد قلمداد کرد و یقیناً از خاص خارج است، می‌توان به عام یعنی آزادی اطلاع‌رسانی تمسک نمود؛ هرچند درباره آنها از جهت مخصص دیگری شک به وجود آید.

۲-۳-۳. شبهه مفهومی با مخصص منفصل

در مخصص منفصل بر خلاف متصل، دلیل عام در عموم ظهور یافته، تا زمانی که تخصیصی بر آن وارد نشده باشد، در تمام افراد خود حجیت دارد. چنانچه دلیل خاصی بر دلیل عام وارد شود، به ظهوری که ایجاد شده لطمه‌ای نمی‌زند، بلکه فقط دایره حجیت آن را محدودتر می‌کند (بروجردی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۵ / مظفر، ۱۴۱۶، ص ۱۴۹)؛ زیرا ظهور عام تا زمانی که ظهوری قوی‌تر از آن موجود نباشد، حجت است و دلیل خاص، به دلیل نص بودن یا اظهریت، اقوی از ظهور عام می‌باشد (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۰): «والخاص إنما يزاحمه فيما هو حجة على خلافه تحكيمياً للنص أو الأظهر على الظاهر». علت اقوی بودن خاص آن است که شمول عام در مورد مخصص به واسطه اصالة العموم و ظهور عام در عموم است؛ ولی شمول خاص در مورد مخصص بالنصوصیه می‌باشد؛ بنابراین ظهور عام ساقط می‌شود. بر این اساس، اگر در قانون آزادی اطلاعات، حکم

عام آزادی اطلاعات صادر شود و در قانون دیگری حکم خاص منع نقض حریم خصوصی صادر شود، در شبهه مفهومی، عام نسبت به افراد داخل در خاص، حجیت خود را از دست می‌دهد.

البته در مورد مخصص منفصل، با دوران بین متباینین، اجمال به عام سرایت می‌کند؛ زیرا اگرچه دلیل خاص، منفصل می‌باشد و عام در عموم ظهور یافته است؛ ولی از آنجا که به تخصیص علم وجود دارد، لازمه آن محدود شدن حجیت عام است و چون مخصص، نامعین است، اجمال مخصص موجب اجمال عام می‌گردد (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۱ / کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۳-۵۲۴).

گفتنی است در تردد میان متباینین اعم از خاص منفصل، تمسک به عام جایز نیست. در خاص متصل، به دلیل عدم ظهور و در خاص منفصل به دلیل عدم حجیت مراد متکلم که مردد و غیرمعین است، اجمال به عام سرایت می‌کند (خویی، ۱۴۱۹، ص ۴۵۵ / مظفر، ۱۴۱۶، ص ۱۷۶).

برخلاف خاص متصل، در خاص منفصل چنانچه تردد میان اقل و اکثر باشد، نسبت به اکثر، عام بر حجیت خود باقی است و اجمال آن به عام سرایت نخواهد کرد؛ زیرا در تردد میان اقل و اکثر، علم اجمالی به علم تفصیلی و شک بدوی تبدیل می‌گردد؛ بنابراین ظهور عام و اصالةالعموم، شک در تخصیص مقدار زاید بر قدر متیقن را دفع می‌نماید و در آن می‌توان به عام تمسک کرد (کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۴ / بروجردی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۵ / مظفر، ۱۴۱۶، ص ۱۴۸).

۳-۳-۳. شبهه مصداقیه با مخصص لفظی

در این حالت، چنانچه بتوان به وسیله اصل موضوعی مانند استصحاب، فرد مشتبه را تحت عام یا خاص قرار داد، چنین می‌کنیم (مغنیه، ۱۴۰۸، ص ۱۷۲)؛ مثلاً نمی‌دانیم فردی متجاهر به فسق است که نقض حریم خصوصی اطلاعات او مجاز باشد و مضمول عام آزادی اطلاعات شود یا اینکه متجاهر به فسق نیست که مضمول خاص منع نقض حریم خصوصی شود. در اینجا با اجرای اصالةالبرائه در موضوع، مشتبه را تحت خاص قرار می‌دهیم.

اما در صورتی که چنین اصل موضوعی قابل اعمال نبود، تمسک به عام جایز نیست (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۱)؛ زیرا اصالةالعموم از اصول مرادیه که مراد واقعی را احراز می‌کند، می‌باشد، دخالتی در احراز مصادیق ندارد و اصولاً دلیل، وجود موضوع را احراز نمی‌کند، بلکه حکم را بنا بر فرض وجود موضوع اثبات می‌کند و حکم عام نیز برای چنین فردی اثبات نخواهد شد (خویی، ۱۴۱۹، ص ۴۶۰).

۴-۳-۳. تمسک به عام در شبهه مصداقیه منحصس لَبّی*

احتمال وقوع این شبهه در بحث حریم خصوصی قابل توجه است؛ زیرا ممکن است ضرورت، جواز نقض حریم خصوصی را ایجاب کند.

در جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه منحصس لَبّی اختلاف وجود دارد. نظریه جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه منحصس لَبّی به طور مطلق به شیخ انصاری نسبت داده شده است (کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۳۶ / مظفر، ۱۴۱۶، ص ۱۵۲). مرحوم نایینی (کاظمی، ۱۴۰۴، ص ۵۳۸) و امام خمینی حکم منحصس لَبّی و لفظی را یکسان دانسته‌اند. امام خمینی معتقد بود تمامی تفصیل ذکر شده توسط اصولیان در منحصس لَبّی به شک در اصل تخصیص رجوع می‌کند، نه شک در مصداق منحصس (سبحانی، [بی تا]، ص ۲۱).

نتیجه

اصل آزادی بیان و آزادی اطلاع‌رسانی، در اسناد مهم بین‌المللی از جمله در ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل، مستند رسانه‌ها در دعاوی اشخاص علیه آنان می‌باشد. از سوی دیگر، حریم خصوصی اشخاص نیز از جمله مهم‌ترین حقوق شهروندان است که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد دیگر منعکس شده است.

* مقصود از دلیل لَبّی، هر دلیلی است که در مقابل دلیل لفظی واقع شود؛ مانند حکم عقل، اجماع، سیره، ضرورت و....

در این نوشتار، رابطه این دو حق مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفت. هر دو نظریه ناظر به این رابطه یعنی نظریه آزادی مطلق اطلاعات که عمدتاً در امریکا مطرح است و نظریه آزادی نسبی اطلاعات و خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی اطلاعات مورد نقد قرار گرفت و رد شد. البته در این میان، دیدگاه دوم نسبت به دیدگاه نخست از وجاهت بیشتری برخوردار بود.

مهم‌ترین مستند نظریه اول، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. واژه‌های Any one, through any media در این ماده این تلقی را به وجود آورده است.

نظریه مختار درباره رابطه حریم خصوصی و آزادی اطلاعات، استقلال موضوعی این دو مقوله می‌باشد؛ بنابراین موضوع آزادی اطلاعات، مسائل عمومی و غیرشخصی است و موضوع حریم خصوصی، مسائلی است که وارد حوزه عمومی نشده است؛ بر این اساس، خصوصی‌ترین مسئله وقتی وارد حوزه عمومی شد و تبدیل موضوع در آن رخ داد، مشمول حکم آزادی اطلاعات می‌شود. به عبارت دیگر، حریم خصوصی تخصصاً از آزادی اطلاعات خارج است، نه تخصیصاً. البته به رغم خروج تخصصی ممکن است در مواردی استثنایی به دلیل مصلحت اهمی، قانونگذار آنچه را موضوعاً خارج از حیطة آزادی اطلاعات باشد، حکماً داخل نماید.

بر مبنای خروج تخصیصی (نظریه مختار)، در موارد شک در موضوع، مورد مشکوک را نمی‌توان با اجرای اصل داخل در یکی از موضوعات قرار داد. البته چون شک، به تکلیف برمی‌گردد، نهایتاً با اجرای اصالة البرائة، آزادی اطلاعات بر حریم خصوصی غلبه می‌کند. براساس مبنای خروج تخصیصی حریم خصوصی از آزادی اطلاع‌رسانی، به نظر می‌رسد عمده شبهات در این باره از نوع شبهات مفهومیه مردد میان اقل و اکثر با مخصص منفصل باشد؛ زیرا دو حکم «رسانه‌ها حق هرگونه اطلاع‌رسانی دارند» و «نقض حریم خصوصی افراد ممنوع است» به طور مستقل و در دو مقررات مجزا یا در یک قانون ولی در دو ماده مستقل آمده و در مفهوم حریم خصوصی اختلافات اقل و اکثری است؛ بنابراین نسبت به اکثر، عام بر حجیت خود باقی است و اجمال آن به عام سرایت نخواهد کرد.

همچنین، احتمال وقوع شبهه مصداقیه مخصص لّبی در بحث حریم خصوصی قابل توجه است؛ زیرا ممکن است ضرورت، جواز نقض حریم خصوصی را ایجاب کند. خروج به دلایل غیرلفظی مثل حکم عقل، اجماع، سیره، ضرورت و امثال آن، خروج با مخصص لّبی می‌باشد. جواز تمسک به عام در این مورد، اختلافی است و به نظر اصح، حکم مخصص لّبی و لفظی یکسان بوده، تفصیل ذکرشده توسط اصولیان در مخصص لّبی، به شک در اصل تخصیص رجوع می‌کند، نه شک در مصداق مخصص.

منابع

۱. احمدی میانجی، علی؛ اطلاعات و تحقیقات در اسلام؛ تهران: دادگستر، ۱۳۸۱.
۲. انصاری، باقر؛ آزادی اطلاعات؛ تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.
۳. —؛ حقوق حریم خصوصی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۴. انصاری، مرتضی؛ رسائل؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۵.
۵. —؛ مکاسب؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
۶. بروجردی، محمدتقی؛ نه‌ایة الافکار (تقریرات درس آقاضیاءال‌دین عراقی)؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۴.
۷. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ الرسالة السعدیة؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.
۸. حویزی، عبد‌علی بن جمعه؛ نورالثقلین؛ ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۹. خراسانی، محمدکاظم؛ کفایة الاصول؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۱۰. خمینی، سیدمصطفی؛ تفسیر القرآن‌الکریم؛ ج ۵، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
۱۱. خویی، سیدابوالقاسم؛ أجودالتقریرات (تقریرات درس نایینی)؛ ج ۱، قم: مؤسسه صاحب‌الزمان (عج)، ۱۴۱۹ق.
۱۲. سبحانی، جعفر؛ تهذیب‌الاصول (تقریرات درس امام خمینی)؛ ج ۲، قم: چاپخانه مهر، [بی‌تا].
۱۳. شهریار، حمید؛ اخلاق فناوری اطلاعات؛ قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۹.
۱۴. صفایی، سیدحسین؛ «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»؛ مجله دانشکده حقوق؛ دانشگاه تهران، ش ۲۷، بهمن ۱۳۷۰.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ ج ۸، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۵ق.
۱۶. علم الهدی، سیدمرتضی؛ الذریعة الى اصول الشریعة؛ تصحیح ابوالقاسم گرجی؛ ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۱۷. کاظمی، محمدعلی؛ فوائد الاصول (تقریرات درس نایینی)؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. کریر، پیترا؛ حقوق رسانه‌ها؛ ترجمه حمیدرضا ملک محمدی؛ تهران: میزان، ۱۳۸۶.
۱۹. مشکینی، علی؛ اصطلاحات الاصول؛ قم: چاپخانه حکمت، ۱۳۴۸.
۲۰. مظفر، محمدرضا؛ اصول الفقه؛ ج ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۱. معتمدنژاد، کاظم؛ حقوق ارتباطات؛ تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۶.
۲۲. مغنیه، محمدجواد؛ علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید؛ بیروت: دارالتیاری الجدید، ۱۴۰۸ق.
۲۳. مهرپور، حسین؛ حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶.
۲۴. نایینی، محمدحسین؛ فوائد الاصول؛ ج ۳، قم: اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۵. هوسمن، کارل؛ حمایت از حریم خصوصی افراد در برابر حق آگاهی؛ ترجمه داوود حیدری؛ تهران: رسانه، پاییز ۱۳۷۰.

26. Allen, Anita; **Is Privacy Now Possible?** A Brief History of an Obsession, Social Research, Vol.68, 2001.
27. Byrne, John; **Privacy Countdown**; ABA Banking Journal, Vol. 93, 2001.
28. Froomkin, Michael; **Death of Privacy**; Stanford Law Review, Vol.52, 2000.

29. Heins, Karl; **Space Law Basic Legal Documents**; Institute of Air and Space Law At Cologne University, 2003.
30. Sarah, Josef and Jenny Schultz; **The international Covenant on Civil and Political rights, Cases, Materials and Commentary**; Oxford University Press, 2000.

